

قومیت و ابعاد آن در ایران

تاریخ دریافت: ۸۵/۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۸۵/۳/۲۵

علیرضا اسلامی*

با توجه به انگیزش خواستهای قومی در گستره جهانی و دامن زدن به منابع قومی ناسیونالیسم چنین به نظر می‌رسد که در دهه آینده کلیه کشورها به نحوی با این مسئله مواجه خواهند شد. از آنجا که قومیت یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می‌آید امنیت کشورها در دهه آینده بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد. در جمهوری اسلامی ایران نیز به نظر می‌رسد که این موضوع با توجه به تعدد گروه‌های قومی و پیشینه تاریخی‌شان خواه ناخواه مطرح خواهد شد. وجود یک قطب قومیتی در غرب و جنوب شرقی کشور و همراهی با دو گسست دینی و به ویژه اقتصادی و تحریکات بیگانگان می‌تواند خطرآفرین باشد. در این مقاله به این مهم پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: قوم و قومیت، امنیت، امنیت ملی.



۱. مفاهیم

در آغاز به تبیین مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله می پردازیم.

امنیت

واژه امنیت دارای دو معنای ایجابی (یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان) و سلبی (یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید) است.^۱

امنیت ملی

رابرت ماندل در تعریف واژه امنیت ملی می گوید: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسؤولیت های حکومت های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.^۲

انسجام ملی

متغیر انسجام ملی - سیاسی مشعر به چگونگی صورت بندی نیروها و گروه های اجتماعی سیاسی از جمله گروه های قومی است. این متغیر از نظر امنیت ملی مسئله ای حایز اهمیت تلقی می شود، لذا هر چه یک دولت - ملت منسجم تر و یکپارچه تر باشد وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و دولت - ملت نامنسجم زمینه بالقوه مناسبی برای بروز رفتارها و رخداد های ضد امنیتی است. با توجه به رویکرد نرم افزاری به امنیت ملی که بر انسجام و یکپارچگی اجتماعی و کیفیت فرآیند ملت سازی تکیه دارد می توان گفت در جوامع ضعیف و اجتماعات پاره پاره که میزان انسجام گروه های اجتماعی از جمله گروه های قومی در آنها ناچیز بوده و احتمال واگرایی و گریز از مرکز گروه های فرو ملی قابل ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می شود. در این جوامع عوامل ذیل در تشدید تمایلات قومی - قومیت به عنوان متغیر امنیت ملی مؤثر است:

۱. درجه پایین انسجام و یکپارچگی اجتماعی (دولت ضعیف)؛

۲. ساختار غیر مشارکتی و اقتدارگرای قدرت سیاسی که پتانسیل آسیب پذیری نظام سیاسی را

افزایش می دهد؛

۳. استعداد بسیج گری و بسیج شده گی گروه های قومی؛

۴. رابطه مرکز - پیرامون بین دولت و گروه های قومی.^۳

قومیت

واژه قومیت بیشتر استفاده کاربردی دارد و برداشت های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد بالایی است: «قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن

و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را داراست.^۴

هویت ملی (حقوق شهروندی)

در هویت ملی این سؤال مطرح است که فرد خود را عضو چه واحد سیاسی می‌داند و تا چه اندازه احساس بیگانگی او با واحد سیاسی عمیق است و افراد ساکن در یک جغرافیای سیاسی خاص و تحت حاکمیت قوانین حاکم بر آن، آیا از لحاظ روانی نیز خود را عضو آن واحد می‌دانند. هویت ملی دارای وجوهی است، از جمله با حقوق شهروندی و شهروند ملی رابطه نزدیکی دارد که به طور سنتی به برابری انسان‌هایی که عضویت یک دولت ملی را پذیرفته‌اند تأکید شده است. برای این افراد سوای تمایزات نژادی، زبانی و قومی، حقوقی هست که اهم این حقوق عبارتند از:

۱. برابری در فرصت دستیابی به مقامات سیاسی و اداری جامعه؛
۲. برابری در فرصت‌های اساسی مانند تحصیلات، شغل مناسب و امکانات رفاهی؛
۳. تساوی در حقوق و امتیازات قانونی؛
۴. برابری در حقوق مربوط به مشارکت سیاسی و وظایف آن.

اعضای یک ملت اگر احساس کنند که در دست‌یابی به حقوق مذکور موقعیتی برابر با یکدیگر دارند هویت ملی بحران کمتری خواهد داشت؛ اما اگر اقوامی نتوانند خود را با فرایند ملت‌سازی، ادبیات ملی، زبان رسمی، تعلیمات عمومی و مذهب رسمی هماهنگ سازند به حد شهروند درجه دوم سقوط کرده و از حقوق محروم می‌شوند و به حاشیه رانده شده و احساس محرومیت کرده و موجب تقویت هویت‌های مادون ملی (مانند قومیت، نژاد، محله‌گرایی و...) می‌شود و محرکی برای دست زدن به اعمال سیاسی و خشونت و... می‌گردد، به خصوص در کشورهای با تفاوت قومی این مشکلات بیشتر مطرح می‌شود. برای مثال آنچه امروز اقوام ایرانی می‌نامیم، قاعدتاً ایرانی هستند و تعریفی که از خود ارائه می‌دهند هم ایرانی است، یعنی هویت ملی‌شان ایرانی است و هویت اجتماعی‌شان بلوچ، ترکمن، خراسانی، کرمانی، فارس و خوزستانی و... است.

شکاف

شکاف عبارت است از تقابلی که گذرا نیست و برخاسته از متن جامعه است و به قول استین روکان تمایل به انجماد دارند و برای سالیان متمادی در یک جامعه رحل اقامت خواهند افکند و منشأ آن غالباً حوادث مهم و تاریخی یک جامعه چون انقلاب یا نوسازی و امثال آن است.^۵

۲. عوامل شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یا تشدید ناسیونالیسم قومی در جوامع چند قومی به اقتضای خاص هر



جامعه متعدد است از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. چگونگی ساختار توزیع منابع قدرت (اقتصادی - سیاسی - فرهنگی) در جامعه؛
۲. وضعیت خود جنبش ناسیونالیسم با توجه به سه محور ایدئولوژی، ساز و کارها و شیوه‌های پیگیری مطالبات و پایگاه اجتماعی؛
۳. تجربه تاریخی تعاملات و روابط اقوام که آیا سلطه‌گر و سلطه‌پذیر یا فدرالی یا خودمختاری بوده است؛
۴. واکنش و حساسیت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به موضوع اقوام در یک کشور خاص؛
۵. شرایط ژئوتئوتیک یا جغرافیای ترکیب قومی هر جامعه، نسبت جمعیت و سرزمین و همسانی قومی با کشورهای همسایه و نوع شکاف‌های موجود در جامعه؛
۶. روند ملت‌سازی و دولت‌سازی در کشور که آیا دوران بحران را طی کرده یا خیر و در چه مرحله‌ای است؟
۷. نوع نگرش و میزان گرایش اقوام به هویت ملی، منافع ملی، امنیت ملی و دولت ملی، که آیا با دولت مرکزی موافقت یا با قوم مرکزی؟^۶
۸. تبعیض که یکی از عوامل بروز مسائل قومی است.

۳. قومیت در ایران

اگر هم‌نواپی، همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرانه را قاعده کلی حاکم بر مناسبات اقوام ایرانی بدانیم، در برهه‌هایی نیز بر این روابط سطوح مختلفی از تنش، منازعه و بحران حاکم شده است. وقوع منازعات قومی در کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا، بلوچستان و خوزستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین چالش‌های نظام جمهوری اسلامی در دهه اول بوده است که آثار و عواقب زیانباری را بر این مناطق و بر ساخت سیاسی کشور و نیز بر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام وارد کرده است.^۷

اقوام از نظر زبان و گویش

علاوه بر قومیت اصلی فارسی‌زبانان که حدود ۶۰٪ از جمعیت کشور را شامل می‌شود، حدود ده قوم دیگر با زبان‌ها و گویش‌های متفاوت وجود دارد، از جمله:

ترک‌ها، کردها، لرها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و تالشی‌ها.^۸

ناهمگونی دینی - مذهبی

دین نیز مایه‌گوناگونی قومی و نیز عامل همبستگی بوده است. وجود اقلیت‌های دینی مثل ارامنه،

آسوری، یهودی، زرتشتی و مندایی و در بین مسلمانان مذاهب مختلفی چون اسماعیلی (هفت امامی)، شیعه جعفری (دوازده امامی) یا سنی (حنبلی - شافعی - حنفی) وجود دارد.^۹

۴. تیپ‌شناسی اقوام در ایران

سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی در رتبه شانزدهم است و تانزانیا با ۷ درصد همانندی در رتبه اول است و کره شمالی و جنوبی ۱۰۰ درصد همانندی دارند.^{۱۰} در ایران اگر چه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت دارند، لیکن وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی واقعیتهای انکارناپذیر است و می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور باشد.

قوم ترک

ترک‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران هستند، چهار استان اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی و زنجان حوزه اصلی سکونت آنها است که در مقایسه با منطقه محل سکونت قوم بلوچ و کرد منطقه بزرگی است. اما این قوم در مناطقی چون همدان، قزوین، شمال خراسان، مرکزی، فارس و گیلان نیز پراکنده‌اند. با توجه به وضعیت نسبتاً خوب اقتصادی منطقه، عوامل مادی عامل مسائل قومی در این منطقه نیست. ترک‌ها از حس ناسیونالیستی بالایی در قبال ایران برخوردارند که آن را در قیام شیخ محمد خیابانی در سال ۱۲۹۸ می‌بینیم که هیچ خواسته قومی نداشتند. ترک‌ها احساس تعلق به آرمان‌های ملی مذهبی مثل مشروطه نیز از خود نشان داده‌اند و همدوش سایر شهروندان تا مرحله درگیری با دولت مرکزی پیش رفته‌اند. البته جریان‌های مثل فرقه دموکرات پیشه‌وری در سال ۱۳۲۴ تابع ملاحظات بین‌المللی و اتحاد شوروی بود و نیز تشکیل حزب خلق مسلمان در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی در مقابل حزب جمهوری اسلامی موجب تنش‌هایی گردید، اما مسئله به سرعت خاتمه یافت.^{۱۱}

امروزه ۱۳۳ نشریه به زبان ترکی در چهار استان یاد شده و سیزده نشریه ترکی در خارج از این استان‌ها و ۷۳ نشریه نیز به زبان فارسی و آذری منتشر می‌شود. حدود یازده هزار کتاب نیز به زبان آذری چاپ شده است.

قومیت کرد

جمعیت کردها بیشتر در آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، کردستان و شمال خراسان ساکن است و ضریب پراکندگی کمتری نسبت به ترک‌ها دارند. این قوم زمینه مناسب‌تری برای فعال شدن گسست کرد - فارس دارد؛ از جمله این زمینه‌ها: اول، تمرکز جمعیتی در یک منطقه کوچک و مشخص؛



دوم، امکانات اندک اقتصادی، بهداشتی و آموزشی؛ سوم، موقعیت جغرافیایی در کنار مرز دو کشور با تشابه قومی و محلی و اختفای مخالفان نظام و وضعیت کوه‌ها و راه‌ها؛ چهارم، انزوای سیاسی و حضور کمتر یا کمرنگ نخبگان سیاسی اجتماعی در داخل نظام؛ پنجم، ملاحظات مذهبی که اکثراً سنی مذهب می‌باشند، در مقایسه کردهای شمال خراسان که شیعه مذهب هستند و از این حیث مشکلی نداشته‌اند؛ ششم، ملاحظات منطقه‌ای جمعیت کرد در شمال عراق، جنوب شرق ترکیه، شرق سوریه، که در نتیجه کردستان ایران از تنش‌ها و گرایش‌های سیاسی این قومیت در منطقه تأثیر می‌پذیرد، در حالی که کردهای شمال خراسان به دلیل دوری از این منطقه زندگی آرام‌تری دارند؛ هفتم، زبان کردی گرچه از شاخه‌های زبان ایرانی است و با پارسی باستان همانندی‌های زیادی دارد، لکن برای فارسی زبان امروز مفهوم نیست و گویش‌های کردی مختلف مانع یک زبان سراسری واحد است. امروزه زبان کردی محور جنبش‌های کردی است هر چند از لحاظ نژادی نمی‌تواند اصل آریایی و ایرانی بودن کردها را منکر شوند. تجربه شورش شیخ عبیدالله در ۱۲۹۷ در مقابل عثمانی با محوریت قبایل کرد و شورش شیخ سعید در ۱۳۰۴ در مقابل ناسیونالیسم افراطی آتاتورک که هویت کردی را انکار می‌کرد در پاسخ به تحرکات خارجی بود. جنبش اسماعیل آقا سمیتقو که یکپارچگی ایران را تهدید می‌کرد و ارتش رضاخان آن را سرکوب کرد و نیز تأسیس کومله در دهه ۱۳۲۰ که به دستور مقامات شوروی به حزب دمکرات کردستان تبدیل شد و طرح کردستان خودمختار و تأسیس جمهوری مهاباد در سال ۱۳۲۴، اقدام کردها به رهبری عبدالرحمان قاسملو برای تجزیه ایران و بیانیه هشت ماده‌ای آنها بعد از انقلاب اسلامی که خواستار خودمختاری کردستان بودند و اقدامات ملا مصطفی بارزانی و درگیری‌های منطقه‌ای که نتیجه آن گسست قومی کرد - فارس بود، در این راستا قابل توجه و بررسی است.^{۱۲} امروزه حدود سیزده نشریه و پنجاه سایت کردی وجود دارد.

قوم لر

لرهای ایران تا حدود قرن ششم به علت نداشتن اتحاد و انسجام تحت سلطه سلجوقیان یا خلفای عباسی بودند و با ضعف قدرت مرکزی خودمختاری یافتند و به تأسیس «لر بزرگ» (بختیاری و کهکیلویه و بویر احمد) و «لر کوچک» (لرستان فعلی و ایلام) دست زدند. این قوم از توان حکومتی خوبی برخوردارند و از آل خورشید کارنامه درخشانی بر جای مانده است و حملات تیمور لنگ و ترکمانان را پشت سر گذاشتند. فرمانروایان لر در زمان مراوده با دولت عثمانی خود را شاه و ملک می‌خواندند و سیاست‌های دوره صفویه در نزدیکی به لرها و سرکوب شورش‌های آنان در زمان قاجاریه و سیاست‌های متمرکزگرایانه رضا شاه موجب وضع فعلی لرها و اسکان در استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و کهکیلویه و بویر احمد شده است. تلاش‌های این قوم در برابر

حکومت مرکزی را می‌توان به شرح ذیل دید:

اول، شورش‌های پیوسته عشایر سگوند، حنوند، بیرانوند، و دیرک‌وند در مقابل حکام قاجار به ویژه تاروی کار آمدن ناصرالدین شاه قاجار؛
دوم، خیزش عمومی لرها بر ضد ناصرالدین شاه - که با زور اسلحه همه را تحت فرمان خود آورده بود - بعد از مرگ حاکم مستبد منطقه ظل السلطان حسینقلی ابو قدار؛
سوم، خودمختاری و مقابله با جنبش مشروطه‌خواهان تا زمان رضاخان؛
چهارم، برخوردهای لرهای پیشکوه و پشتکوه با نیروهای دولت مرکزی در دوره رضاخان.^{۱۳}
سیاست‌های رضاخان در منطقه از جمله تخته‌قاپو کردن عشایر موجب برهم خوردن اقتصاد سنتی و عدم جایگزینی اقتصاد نوین و به تبع مشکلات و شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عده‌ای در این قوم گردید.^{۱۴}

قوم بلوچ

بلوچ‌ها عمدتاً در استان سیستان و بلوچستان، ساکن هستند. اکثریت این قوم سنی مذهب‌اند. شکاف‌های مذهبی و اقتصادی و همجواری با بلوچ‌های پاکستان و افغانستان تأثیر بسزایی در ظهور گرایش‌های سیاسی گریز از مرکز دارد. از جمله این حوادث و گرایش‌های سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول، سرکوب اقوام بلوچ به دست رضاشاه در سال ۱۳۰۶؛

دوم، شورش‌های محلی طوایف مختلف بلوچ در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳؛

سوم، تأسیس جبهه آزادی‌بخش بلوچستان در سال ۱۳۴۳ به رهبری جمعه‌خان در پاکستان و تأثیر در ایجاد نارضایتی بلوچ‌های ایران از حکومت مرکزی به ریاست عبدی‌خان که پس از انقلاب اسلامی با درگیری‌های مسلحانه از هم پاشیده شد؛

چهارم، ظهور حزب دموکراتیک بلوچستان در سال ۱۳۵۴ تحت عنوان جبهه ملی خلق ایران که پرونده آن با درگیری و خونریزی بسته شد؛

پنجم، تأسیس سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان به رهبری مهندس رحمت حسین‌پور در سال ۱۳۵۸ با آرمان‌های قومی که موجب واکنش شدید دولت بدان شد؛

ششم، تأسیس کانون سیاسی - فرهنگی خلق بلوچ در سال ۱۳۵۸ در زاهدان در حوزه دانشگاهی متأثر از پاکستان؛

هفتم، درگیری گروه پیشمرگ بلوچ به رهبری امان‌الله برکزیایی با حکومت انقلابی و فروپاشی آن؛

هشتم، درگیری‌های سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴.



همجواری این استان با پاکستان و مشکلات اقتصادی می تواند در فعال سازی شکاف مؤثر باشد، هر چند از لحاظ نژادی و زبانی، فرهنگ آنان ایرانی است.^{۱۵}

قوم عرب

عرب ها در جنوب غربی ایران ساکنند و در کنار بختیاری ها، دزفولی ها، شوشتری ها، بهبهانی ها و کولی ها از ساکنان این منطقه به حساب می آیند. وقوع انقلاب اسلامی و فضای انقلابی موجب طرح گرایش های ناسیونالیسم عربی و گسترش آن گردید. لکن جنگ تحمیلی مانع از بروز آنها شد و موجب انسجام ملی شد. بهبود وضعیت اقتصادی اعراب و تعلقات دینی آنها که غالباً شیعه هستند موجب کاهش فعالیت گسست شده است و عموماً با نظام ملی همسو می باشند. آسیب پذیری این قوم از عوامل ذیل موثر است:

۱. همجواری این قوم با اعراب که تابع اصل گرایش اقلیت به اکثریت همسو می باشد؛
 ۲. عدم بازگشت اعراب سرمایه دار به خوزستان در پی جنگ تحمیلی که باعث شده است جمعیت موجود وضع مالی ضعیف تری داشته باشند؛
 ۳. مشکلات ناشی از جنگ و بیکاری و جوان بودن جمعیت عربی در مقایسه با وضعیت اقتصادی اعراب منطقه می تواند موجب احیای گرایش های قومی در منطقه باشد.
- از نظر تاریخی غیر از غائله شیخ خزعل (متأثر از ناسیونالیسم عربی با تحریک انگلستان)، پدیده خاص و مهمی در این قوم دیده نمی شود و شاهد احیای هویت ملی و مذهبی واحد و عدم فعالیت گسست عرب - فارس هستیم، به ویژه که آرمان های شیعی و ملی جمهوری اسلامی بسیاری از شعارهای ناسیونالیستی را خنثی می کند.^{۱۶}

قوم ترکمن

ترکمانان در شمال شرق کشور (عمدتاً استان گلستان) و در همجواری جمهوری ترکمنستان ساکنند. در گذشته معارضه بین ترکمن ها و دولت مرکزی از جمله معضلات بوده است، زیرا آنان با مقولات نوین مثل ملیت آشنایی نداشته و خواهان نوعی حیات مستقل بوده اند که حتی در سال ۱۸۸۱ میلادی حکام ایران طی قراردادی به نام «آخال»، بخشی از این مناطق را به روس می دهند و با خوشحالی هیچ گونه ادعای حقوقی را مطرح نمی سازند!

این قوم ناسیونالیسم ترکمن را مطرح نکرده، لکن شورش های مستمری علیه دولت مرکزی از جمله موارد ذیل داشته است:

۱. همدستی با مخالفان مشروطه جهت سرکوب مشروطه خواهان؛
۲. تأسیس شورای ده نفری در سال ۱۳۰۳ و فعالیت آشکار در مخالفت با حکومت مرکزی؛

۳. همکاری ترکمن‌های ایران و ترکمن‌های جمهوری و ترکمنستان و تشدید برخورد با دولت مرکزی؛

۴. سوء استفاده از فضای بعد از انقلاب اسلامی و ظهور جنبش موسوم به خلق ترکمن که موجب درگیری‌هایی به ویژه در شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۵۸ شد.^{۱۷}

۵. وضع اقوام در ایران

بررسی پیشینه تاریخی اقوام در ایران نشان می‌دهد که گروه‌های قومی از قوانین تبعیض‌آمیز به ویژه در مورد زبان، مذهب و حقوق مدنی آزاده بودند. در انقلاب مشروطه حقوق این گروه‌ها در نظر گرفته نشد و در زمان پهلوی نیز نشر و توزیع روزنامه‌ها، مجلات و کتب زبان‌های قومی به شدت منع شده و حتی درج اسم مغازه‌ها و بنگاه‌های تجاری به زبان قومی ممنوع بود و پلیس در بعضی مناطق قومی حتی رفت و آمد اهالی را کنترل می‌کرد. تبعیض در اختصاص وام بانک‌ها و ایجاد صنایع بین مناطق فارس‌نشین و مرکزی به نسبت مناطق قومی مشهود بود. مردم استان‌های فارس‌نشین ۸۰ درصد شهرنشین شده‌اند، در حالی که مناطق مرزی مثل ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان حدود ۲۰ درصد شهرنشین هستند.

استان‌های مرکزی و ترک‌زبان دارای رفاه هستند، اما کردستان و بلوچستان محرومند.

- عمدتاً جنبش‌های قومی ترک و کرد با تکیه بر حمایت شوروی و جنبش‌های عرب و بلوچ با حمایت بریتانیا شکل می‌گرفته‌اند.

میزان ادغام جمعیت‌های قومی در بطن جامعه ایرانی نسبتاً پایین است؛ برای مثال کردها با حداقل ادغام از بالاترین میزان همبستگی و قوی‌ترین سازمان سیاسی برخوردارند، در حالی که آذری‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای در جامعه ایران ادغام شده‌اند.

- همزمانی جنبش‌های قومی با تحولات مهم چون انقلاب مشروطه، جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۶)، جنگ جهانی دوم، جنبش‌های ناسیونالیست - دمکراتیک حزب توده و مصدق (۱۹۴۱-۱۹۴۳)، قیام اسلامی امام خمینی (۱۹۶۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی قابل توجه است.

شکاف‌های اساسی قومی در عصر پهلوی

نوگرایی در ایران از عصر قاجار آغاز شد و در عصر انقلاب مشروطه و به ویژه در زمان حکومت پهلوی آهنگ آن شدت بیشتری یافت. نوگرایی در زمان رضاخان بر سه اصل مبتنی بود: سکولاریسم، توسعه صنعتی در مرکز و وابستگی به بیگانگان. این اصول موجب شکاف‌های اساسی



در ایران گردید. روحانیت و جناح مذهبی در مقابل اقدامات رضاخانی که موجب تهدید ارزش‌های دینی و تعرض به حریم شرع مقدس شد به ستیزه برخاست؛ صنعتی کردن کشور هم که اساساً در پایتخت و مراکز استان‌ها صورت پذیرفت موجب نابرابری‌های اقتصادی و تبعیض نژادی و قومی گردید و منشأ تحركات سیاسی فراوان و متعددی گردید و ایران شاهد تکوین و بروز قیام‌های قومی و نژادی متعددی شد. وابستگی به بیگانگان نیز موجب شکاف اقشار مختلف گردید که اعتقاد به هویت ملی داشتند.

خواسته‌های گروه‌های اجتماعی بسیج شده که بیشتر رنگ و صبغه مذهبی داشت قابل مذاکره و گفت و گو نبودند، زیرا هیچ گروهی حاضر به مذاکره درباره هویت خود نیست، فلذا راه‌حل‌های سیاسی به بن‌بست رسید و این شکاف‌ها به خشونت کشیده شد.^{۱۸}

۶. پتانسیل تهدید اقوام علیه امنیت ملی کشور

مرزن‌نشینی

موقعیت جغرافیایی اقوام معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. متأسفانه شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و از ابعاد ذیل موجب تهدید و آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند:

۱. به لحاظ ارتباط و پیوند حوزه‌ها به خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند؛

۲. امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی بر حوزه‌ها به شدت تقلیل می‌یابد؛

۳. دولت جمهوری اسلامی ایران را به صورت بالقوه با پدیده ایرردنتیسم (جنبش استقلال طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جدا شده خویش در آن سوی مرز است) مواجه خواهد ساخت.^{۱۹}

استقرار اقوام مشابه در مناطق همجوار کشورهای همسایه

امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آنها در مناطق همجوار دیگر کشورها ساکن هستند. هر چند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، اما به صورت معکوس موجب دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران شده است و معمولاً افکار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد می‌شود، برای مثال می‌توان به مفرگروه‌های تجزیه‌طلب کرد مثل حزب منحل دموکرات در مناطق کردنشین شمال عراق، جنبش ملی بلوچستان

ايران موسوم به جمبا در بلوچستان، پاكستان، جنبش خلق عرب در عراق و پان تركيست‌ها در جمهورى آذربايجان و تركيه اشاره كرد.^{۲۰}

وجود كانون‌هاى فعال بحران‌هاى قومى و مذهبى در جداره‌هاى همسايگان ايران مثل هندوستان، گرجستان، روسيه، لبنان، فلسطين اشغالى و ديگر نقاط خاورميانه ممكن است كل منطقه را در شعله‌هاى آتش فتنه غوطه‌ور ساخته و به سرعت با بحران‌هاى واگرابى قومى، مذهبى مواجه سازد.^{۲۱}

دخالء بيگانگان

مسئله تكثر قومى و مذهبى كشور زمانى كه با اهداف و مطامع استعمارى بيگانه و دشمنان همراه شود از اهميت و حساسيت فوق العاده‌اى برخوردار مى‌شود و تنوع و ناهمگونى فرقه‌ها و اقليت‌هاى قومى و مذهبى از مهم‌ترين ابزار آنها محسوب مى‌شود. با نگاهى به حوادث و رخدادهاى تاريخ معاصر كشور، ردپاى نفوذ و مداخله بيگانگان را در آشوب‌هاى قومى مشاهده مى‌كنيم.^{۲۲}

موازى بودن شكاف قومى با شكاف‌هاى مذهبى و زبانى (شكاف متراكم)

شكاف‌ها و تعارض گروه‌هاى متنوع نقش مهمى در ميزان ثبات با ايجاد بى‌نظمى و ناامنى كشور دارد. اين شكاف‌ها و تعارضات ممكن است متقاطع يا موازى، فعال يا غير فعال، واحد يا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازى بودن آنها و فعال شدن شكاف‌ها موجب اختلاف با ساير مناطق و دولت مركزى و در نتيجه بى‌ثباتى و ناامنى مى‌گردد كه در ايران قابل مشاهده است، زيرا در اغلب مناطق قومى نشين كشور، تضاد قومى و نژادى با تضاد زبانى و تفاوت مذهبى همراه است، بالطبع اگر اين تضادها فعال شود و شكاف‌ها عميق گردد موجب ناامنى خواهد گرديد.^{۲۳}

۷. جامعه مدنى و گروه‌هاى قومى در ايران (قبل و پس از انقلاب اسلامى)

قبل از استقرار دولت مدرن در ايران، تمايز دولت از اقوام آسان نبود، زيرا سران اقوام و قبائل در ساختار دولت حضور داشتند و دولت و اقوام ايرانى به يكديگر وابسته بودند و نظام واحدى را تشكيل مى‌دادند كه هويت ايرانى بود. دولت براى بسيج سپاه و اخذ ماليات و عوارض و تأمين امنيت مرزها متكى به گروه‌هاى قومى بود و گروه‌هاى قومى نيز در قدرت دولتى سهيم بودند و از آن منتفع مى‌شدند و اگر تعادل ميان آن دو به هم مى‌خورد مجدداً اين تعادل برقرار مى‌شد. اقوام فارس، ترك، كرد و لر و... به يگانگى تاريخى پاس و ماد و به اسطوره مشترك قوم آريا مى‌رسد. اختلاف لهجه و گویش‌هاى زبانى نيز حاكى از آن اصل مشترك است. همراهى اقوام بختيارى در دوران مشروطه به اشتراك عقیده با ايرانيان شيعه و تأكيد كردها بر اصالت ايرانى خود و همراهى ايلات قشقايى در جريان ملى شدن



صنعت نفت حاکی از این وحدت ایران است.

پس از انقلاب اسلامی ایران فعالیت گروه‌های مخالف و تجزیه طلب در مناطق قومی نشین بحران‌هایی آفرید، لکن در جریان جنگ تحمیلی با رهبری امام خمینی (قدس سره) موجب همراهی اقوام برای دفاع از ایران گردید. در دوران بازسازی سعی در محرومیت‌زدایی و فعالیت‌های عمرانی و گسترش زیربنای اقتصادی شد و پس از آن جامعه مدنی شکل گرفت.

با مطالعه قانون اساسی می‌توان زیربنای حقوق شهروندی را در اصول مختلف به شرح ذیل یافت:

- حق مشارکت در امور سیاسی در اصل هفتم.
- برخورداری از حقوق مساوی در اصل نوزدهم که با صراحت می‌گوید مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
- برابری همگان در مقابل قانون در اصل بیستم.
- مصونیت جان و مال همگان در اصل بیست و پنجم.
- ممنوعیت تفتیش عقاید مردم در اصل بیست و سوم.
- برخورداری همگان از امنیت فکری در اصل بیست و پنجم.
- حق ابراز عقیده به طرز عمومی در اصول بیست و چهارم و بیست و هفتم.
- آموزش و پرورش رایگان برای همه در اصل سی‌ام.
- برخورداری همگان از مسکن مناسب با نیاز در اصل سی و یکم.
- برخورداری عموم مردم از امنیت قضایی و حقوقی در اصل سی و دوم.
- ابزارهای جامعه مدنی یا نهادهای میانجی دولت و مردم در اصل ششم و بیست و ششم آمده است که احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.
- شوراها که در اصول هفتم و صدم تا یکصد و ششم آمده است و از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور شمرده شده است.
- به رسمیت شناختن زبان‌های محلی اقوام ایرانی در کنار زبان ملی یعنی فارسی در اصل پانزدهم.
- لزوم رعایت حقوق ایرانیان غیر مسلمان در اصول سیزدهم و چهاردهم.
- آزادی فعالیت مطبوعات در اصل بیست و چهارم.

- حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اصل بیست و هفتم.

لذا می‌توان گفت آحاد ملت و کلیه شهروندان ایرانی تمایزات قومی و مذهبی صاحب حق هستند.^{۲۴}

قومیت در سند چشم‌انداز بیست ساله

یکی از الزامات توسعه در جمهوری اسلامی ایران برای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله تکیه بر همبستگی ملی و مشارکت عمومی و یافتن راهکارهای مناسب برای همگرایی قومیت‌ها، مذاهب، اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف و هوشیاری لازم به تحریکات سازمان یافته دشمن و دسیسه‌ها و نقشه‌های آنها در جهت ایجاد تنش و بحران است.^{۲۵}

۸. راهبردهای مناسب برای انسجام اجتماعی و جلوگیری از فعالیت گرایش‌های قومی

۱. ارائه طرح مفهوم شهروندی به جای ما - دیگری - قومیت و...
۲. توسعه نهادهای مشارکتی و گشودن باب مذاکره.
۳. پرهیز از سرکوب و تبدیل نقش سرکوبگرانه دولت به رأفت و رحمت.
۴. جلوگیری از بسط محرومیت (در پست‌های سیاسی، حمایت‌های اقتصادی و...).
۵. نفی الگوی دولت معیوب و رسیدگی به همه کشور.
۶. خشکاندن فضای ذهنی محرومیت و محرومیت‌زدایی.
۷. جامعه‌پذیری سیاسی کارآمد و هدایت نهادهایی چون خانواده و مدرسه برای آموزش نسل جدید و رفع شکاف.
۸. عدم تحقیر در عرصه هنر و ادبیات و...
۹. نفی صلح منفی (عاجز بودن افراد در مقابل یک کانون سیاسی مقتدر) و ایجاد صلح مثبت در برقراری نظام عادلانه و کسب رضایت افراد و پرهیز از خشونت.^{۲۶}

۹. مهم‌ترین تهدیدات، آسیب‌ها و فرصت‌ها در حوزه پاره فرهنگ‌های قومی و مذهبی برای امنیت سیاسی و فرهنگی ایران

با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، چند نمونه از خرده فرهنگ‌ها را در جدول ذیل از جهت فرصت، تهدید و آسیب ارائه می‌کنیم.



نوع پاره فرهنگ	نوع تأثیر	دلایل
زبان قومی	فرصت	زبان قومی موجب وحدت قومی می‌گردد - احیای اثار گذشته - همزبانی با قوم مشابه در کشور همسایه - بیان فرهنگ ملی با زبان قومی
	تهدید	موجب تجزیه وحدت ملی و زبان رسمی فارسی می‌گردد - همزبانی با قوم مشابه در کشور همسایه و گرایش به آنان - حمایت خارجی از آنان - محور تحریک و جنبش قومی مانند طرح آذربایجان بزرگ (ایران و آذربایجان) یا کردستان بزرگ (عراق و ترکیه و ایران) می‌شود.
	آسیب	تداخل با لغات خارجی - احساس بیگانگی با زبان رسمی فارس.
لباس محلی	فرصت	تنوع لباس و رنگ مناسب محیط جغرافیایی و آب و هوا (اعراب - ترکمن ها - کردها - بلوچها و...) احیای آثار گذشته - تشابه قومی با قوم مشابه در کشور همسایه - بازشناسی اقوام از یکدیگر.
	تهدید	موجب تجزیه وحدت ملی می‌گردد - لباس ملی چادر و کت و شلوار ایرانی به رسمیت شناخته نمی‌شود.
	آسیب	احساس غربت در جمع فارس
اقتصاد محلی	فرصت	رشد اقتصادی رافع معضلات قومی و کاهش تنش‌های قومی می‌گردد - موجب مدل و الگو شدن برای قوم مشابه در کشور همجوار می‌گردد - بالا رفتن رشد اقتصاد ملی و سرانه - کاهش تبعیض - گسترش عدالت.
	تهدید	موجب احساس استقلال و تحریک حس ناسیونالیستی برای خودمختاری و استقلال می‌گردد، مانند خواسته عرب‌های خوزستان در خصوص اختصاص درآمد نفت به استان.
	آسیب	در صورت وابستگی اقتصاد ملی یا مرکز به اقتصاد محلی ممکن است با ایجاد تنش معضلات ملی ایجاد کند.

نوع پاره فرهنگ	نوع تأثیر	دلایل
ادیان و مذاهب مختلف	فرصت	وجود اقلیت دینی و مذهبی و رفتار مسالمت‌آمیز حکومت با آنان الگو برای سایر کشورها می‌شود - می‌توانیم نمایندگان از اقلیت‌های دینی و مذهبی در مجامع عمومی آنان داشته باشیم.
	تهدید	موجب نفوذ بیگانگان و حمایت مالی از اقلیت‌ها می‌شود - عدم به کارگیری اقلیت‌ها در قدرت - اتهام حقوق بشر به مرکز به عنوان تفتیش عقاید و دخالت خارجی.
	آسیب	تلقی دوگانگی دینی و مذهبی - تحریک بیگانگان - عدم همدلی - تفاوت مراسم و مناسبت‌ها.
علم و دانش و آگاهی	فرصت	موجب خودآگاهی و بیداری قوم و تربیت نخبگان می‌گردد - اداره امور قوم به دست نخبگان و رفع عقب‌ماندگی‌ها.
	تهدید	وجود نخبگان و آگاهی عمومی طرح خواسته‌ها و خواستار شرکت در قدرت می‌گردد - طرح مطالبات عقب افتاده که در توان حکومت ملی و مرکزی نیست - طرح مطالبات تاریخی.
	آسیب	تشکیل اجتماعات و راهپیمایی و تولید و انتشار مطالب ضد وحدت ملی.
ازدواج قومی	فرصت	عدم تداخل اقوام دینی و زبانی - تخلیه احساسات قومی.
	تهدید	چون اقوام به محدودیت جمعیتی مقید نیستند تکثیر جمعیت آنان موجب تغییر ساختار قومی استانی می‌شود.
	آسیب	ادامه سنت‌های غلط - ایجاد معضلات برای کشور.



پی‌نوشت‌ها

۱. اصغر افتخاری، «طرفیت طبیعی امنیت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره، دوم (۱۳۷۷).
۲. حسین عساریان‌نژاد، «امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران»، **ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی**، ش ۴۸ و ۴۹ (۱۳۸۳).
۳. اصغر افتخاری، پیشین.
۴. حجت‌الله ایوبی، «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره اول (۱۳۷۷).
۵. میرقاسم بنی‌هاشمی، «چشم‌انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۱۶، (۱۳۸۱).
۶. حسین عساریان‌نژاد، پیشین.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. اصغر افتخاری، پیشین.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. روح‌الله بهرامی، «سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره، اول (۱۳۷۷).
۱۴. اصغر افتخاری، پیشین.
۱۵. همان، جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: نور‌الله قیصری، «قومیت عرب و هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره اول (۱۳۷۷).
۱۶. اصغر افتخاری، پیشین.
۱۷. حجت‌الله ایوبی، پیشین.
۱۸. حسین عساریان‌نژاد، پیشین.

۱۹. همان.

۲۰. همان.

۲۱. همان.

۲۲. همان.

۲۳. جعفر حق‌پناه، «جامعه مدنی و قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی،

پیش شماره دوم (۱۳۷۷).

۲۴. مرتضی خسروی، «الزامات فرهنگ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۳۹.

۲۵. همان.

